

# تزام حقوق در زاینده رود:

## دیدگاه حقوق بشری به توسعه

دکتر امیرمقامی

عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی

مقالات

«کم آبی» جایگاه خاصی در جامعه‌شناسی سیاسی و ادبی ایران دارد، چنانکه برخی معتقدند میان کم آبی و روحیه استبداد تاریخی ایرانیان رابطه‌ای مستقیم برقرار است و درست برعکس ادبیات اروپا، که خورشید (عامل ناپایدار آفتاب) به مثابه «مطلوب» توصیف می‌شود، در ادبیات ایران «آب» و مظاهر آن (رود، باران، دریا و...) چنین جایگاهی دارد. «چو از این کویر وحشت، به سلامتی گذشتی، به شکوفه‌ها، به باران، برسان سلام ما را.»

(شفیعی کدکنی)

زاینده رود نه از اصفهان آغاز می‌شود و نه به اصفهان ختم می‌شود، اما بیش از هر شهر دیگری با نام اصفهان پیوند خورده است و همین پیوند به رونقی ادبی، هنری، اجتماعی، سیاسی و به خصوص اقتصادی انجامیده است و از این رو است که تزام‌ها و چالش‌هایی برانگیخته است. مردم اصفهان



زاینده رود نه از اصفهان  
آغاز می شود و نه به  
اصفهان ختم می شود،  
اما بیش از هر شهر  
دیگری با نام اصفهان  
پیوند خورده است و  
همین پیوند به رونقی  
ادبی، هنری، اجتماعی،  
سیاسی و به خصوص  
اقتصادی انجامیده  
است و از این رو  
است که تزاخم ها و  
چالش هایی برانگیخته  
است.

با کرامت انسانی ملازمه دارد و آن را برای تحقق حقوق بشر ضروری می داند. نظریه مزبور همچنین بیان می کند که حق بر آب، شامل حق هر کس برای دسترسی واقعی به آب کافی، سالم و قابل قبول برای مصرف شخصی و خانگی می شود. بند یک ماده ۱۱ میثاق بین الملل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جدی ترین مبنای این حق توصیف شده است، که به حق هر کس برای داشتن سطح زندگی کافی از جمله «خوراک، پوشاک و مسکن کافی» تصریح دارد. این حق، ارتباط تنگاتنگی نیز با حق بر استاندارد سلامت (ماده ۱۲ میثاق) دارد. کیفیت و دسترسی به آب و دسترسی به اطلاعات موضوعات ذی ربط، محتوای هنجاری این حق را تشکیل می دهند و دولت ها باید این حق را به تدریج تحقق بخشند و از محدود کردن آن بپرهیزند. دولت ها باید به حق بر آب احترام بگذارند و از آن حمایت کنند. نقض این حق ممکن است با افعال یا ترک فعل های متفاوتی به وقوع بپیوندد. قطع خودسرانه یا غیرقابل توجیه خدمات آب، افزایش تبعیض آمیز قیمت آب و آلودگی منابع آبی مؤثر در سلامت انسانی و فقدان سیاست ملی آب برای تضمین حق آب، از جمله موارد نقض این حق محسوب می شود.

دولت باید حق بهره مندی از آب سالم اعم از مصارف خوراکی، نوشیدنی یا بهداشتی برای همه افراد و مناطق را از طریق سیاست ها و برنامه های مشخص تضمین کند. تضمین این حق با استفاده مناسب و بهینه از تمام منابع آب کشور- و حتی در صورت لزوم با خرید آب از کشورهای دیگر- باید محقق شود. لذا منابع آب به شخص یا منطقه خاصی تعلق ندارد. رویکرد اسلامی به منابع طبیعی نیز همین رویکرد را تأیید می نماید. اصل چهل و هشتم قانون اساسی نیز مقرر نموده است «در بهره برداری از منابع طبیعی... باید تبعیض در کار نباشد، به طوری که هر منطقه فراخور نیازها و استعداد رشد خود، سرمایه و امکانات لازم در دسترس داشته باشد.»

شورای حقوق بشر نیز از ابتدای تأسیس خود تاکنون به مسأله حق بر آب توجه ویژه داشته است. از جمله در سال ۲۰۰۸ طی قطعنامه ۷/۲۲ کارشناس مستقلی در موضوع تعهدات حقوق بشری مرتبط با دسترسی به آب نوشیدنی سالم منصوب نمود و در سال ۲۰۱۱ طی قطعنامه ۱۶/۲ تصمیم گرفت مأموریت وی را برای یک دوره سه ساله دیگر تمدید نماید. این شورا طی قطعنامه ای در ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱ نیز از دولت ها خواست تأمین مالی کافی را برای تحویل پایدار آب تضمین نمایند.

علاقه مندند این رونق را در هر فصل گردشگری تجربه کنند و از طریق صنایع وابسته به آب رودخانه، اصفهان را به عنوان قطبی اقتصادی حفظ کنند و این دو خواسته در شرایط کم آبی (محدودیت منابع) به تعارض می انجامد: تثبیت رودخانه در مسیر شهر و حفظ رونق اقتصادی اعم از کارخانه ها و مزارع کشاورزی. اگر به این دو خواسته، خواسته سومی را بیفزاییم چالش جدی تر خواهد شد: آبرسانی برای آب شرب شهری اصفهان توسعه یافته از چهار جهت و دیگر شهرهای کم آب حاشیه کویر. حفظ میراث فرهنگی و جلوت آن نیز در کنار این سه، بی اهمیت نیست.

به عبارت دیگر چند مفهوم حقوق بشری در یک نقطه با یکدیگر تلاقی می کنند. گرچه امکان تزاخم و تعارض قواعد بنیادین حقوق بین الملل به ویژه حقوق بشر امر بدیعی نیست، اما در این مقاله تلاش می شود از زاینده رود به عنوان نمونه و محملی عملی برای طرح ریزی نظریه رفع تزاخم میان حقوق بشر استفاده شود. بحث و چهارچوب آن گرچه نظری است، اما به نظر می رسد در حال حاضر عمل گرای بدون پشتوانه نظری و نظریه پردازی بدون توجه به واقعیت های عملی در گذشته نزدیک، منشأ بسیاری چالش های اجتماعی و سیاسی ایران بوده است. همچنین این مقاله رویکرد اساسی گرای حقوقی و برکشیدن «حقوق بنیادین» را نفی نمی کند و رابطه میان طرح این مقاله بر اساس «نظریه توسعه» و طرح اساسی گرای بر مبنای «حقوق بنیادین» موضوع پژوهش و نظریه دیگری است.

آنچه حوزه رویکرد این مقاله را تشکیل می دهد، عبارت است از چهار مفهوم «حق آب سالم»، «حق محیط زیست سالم»، «میراث فرهنگی» و «حقوق اقتصادی». منظور از حقوق اقتصادی، همان رویکرد اقتصادی به توسعه است که در جای خود توضیح داده می شود. پس از پیوند این مفاهیم با وضعیت زاینده رود و توصیف تزاخم میان آنها راهکار نظری جهت رفع تزاخم معرفی می گردد.

### حق بر آب سالم

حق نوشیدن آب سالم به طور صریح در اسناد الزام آور بین المللی توصیف نشده است، اما رویه و تصمیمات ارکان ملل متحد چنین حقی را ترسیم و تبیین نموده است. شورای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملل متحد در نوامبر ۲۰۰۲ نظریه عمومی شماره ۱۵ را در خصوص حق بر آب تصویب نمود. ماده یک این سند بیان می دارد: «حق بشری» بر آب با زندگی همراه



«حق بشری» بر آب با زندگی همراه با کرامت انسانی ملازمه دارد و آن را برای تحقق حقوق بشر ضروری می‌داند. نظریه مزبور همچنین بیان می‌کند که حق بر آب، شامل حق هر کس برای دسترسی واقعی به آب کافی، سالم و قابل قبول برای مصرف شخصی و خانگی می‌شود.

مجلس رسیده‌اند. علاوه بر این حفاظت محیط زیست به عنوان وظیفه‌ای عمومی، جایگاهی «اساسی» در نظام حقوقی ایران یافته است و طبق اصل پنجاهم قانون اساسی، «فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» زاینده رود نیز که در مسیر تاریخی خود زیست بوم‌های متعددی را پدید آورده است، حافظ این زیست بوم‌ها و تنوع زیستی محسوب می‌شود. حتی گذر عادی این رودخانه از میانه شهر اصفهان بجز حفظ زیست بوم طبیعی، در سلامت محیط روانی مردم این شهر نیز تأثیرگذار است. بنابراین حفظ تمامیت مسیر زاینده رود -در شرایطی که فقدان آن آسیب‌های زیست محیطی برای روان انسانی، زیست شهری، کشاورزی سالم، و صدها گونه جانوری که به آن وابسته‌اند ایجاد می‌کند- در کنار تکلیف عمومی به حفظ تنوع زیستی، میراث طبیعی و زیست بوم، حق تمامی کسانی است که زندگی‌شان با این مسیر گره خورده است.

#### میراث فرهنگی: میراث مشترک بشریت

گرچه ادعای گزافی نیست که میراث فرهنگی -تاریخی اصفهان، دست کم به طور غیرمستقیم حاصل زاینده رود است، اما کمتر از این، می‌توان ادعا کرد که بخشی از این میراث فرهنگی مستقیماً اثر زاینده رود است و بدون آن معنا و

در مجموع باید گفت نهادهای ملل متحد با توسعه حقوق اقتصادی کلاسیک حق ویژه‌ای به عنوان حق دسترسی به آب سالم را معرفی نموده‌اند و این رویکرد جلوه‌ای از گفتمان اولیه حق بر توسعه است که نویسندگان اولیه اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن را به مثابه حق بر توسعه حقوق بشر و شناسایی مصادیق جدید آن توصیف می‌نمودند.

#### حق محیط زیست سالم

به رغم حق آب سالم که نماد توسعه درونی حقوق بشر است، حق محیط زیست سالم مهمترین نماد توسعه برون زای حقوق بشری است، که نه تنها خارج از چهارچوب کلاسیک حقوق بشر (دسته حقوق مدنی، سیاسی و دسته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) به وجود آمده و مقبول واقع شده، بلکه نقش عمده‌ای در معرفی نسل سوم از حقوق بشر (حقوق همبستگی) داشته است. این دسته یا نسل اخیر ظاهری اجتماعی دارند، اما هر فرد بشری مستحق آن است. این جلوه حقوق بشر که از اعلامیه استکهلم استحکام یافته، در دهها معاهده دو یا چندجانبه و قوانین داخلی به تصریح یا تلویح مورد اشاره قرار گرفته است، که از آن جمله می‌توان به کنوانسیون رامسر درباره تالاب‌ها و کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان اشاره نمود که هر دو به تصویب

دولت‌ها باید به حق بر آب احترام بگذارند و از آن حمایت کنند. نقض این حق ممکن است با افعال یا ترک فعل‌های متفاوتی به وقوع بپیوندد. قطع خودسرانه یا غیرقابل توجیه خدمات آب، افزایش تبعیض آمیز قیمت آب و آلودگی منابع آبی مؤثر در سلامت انسانی و فقدان سیاست ملی آب برای تضمین حق آب، از جمله موارد نقض این حق محسوب می‌شود.



**توسعه اقتصادی: رویکرد اقتصادی به حق توسعه**  
 طی پنج دهه اخیر گفتمان «توسعه» در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کشورهای «در حال توسعه» جایگاهی خاص داشته است. این گفتمان در نظم حقوقی بین‌المللی به چالش سیاسی شمال و جنوب رنگ حقوقی زده است؛ آنجا که توسعه به مثابه حقی برای ملت‌های توسعه‌نیافته تلقی شده که جز با همکاری و پشتوانه ملت‌های توسعه‌یافته محقق نخواهد شد. میزان این همکاری و حمایت و ماهیت حقوقی آن به جدالی میان شمال و جنوب انجامید، تا اینکه در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی ملل متحد با صدور قطعنامه‌ای «حق بر توسعه» را توصیف و تشریح نمود تا حقوق بین‌الملل توسعه که صبغه‌ای اقتصادی داشت، به سوی تکامل چندوجهی حرکت کند. با وجود این، مفهوم توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته، همچنان بیشتر نمایی اقتصادی داشته است که بر مفاهیم کلاسیک اقتصادی تکیه دارد. در این برداشت، توسعه صرفاً به افزایش قابلیت‌های اقتصادی کشور (در مجموع) محدود می‌شود، بی‌آنکه این کمیت‌ها الزاماً تأثیری در کیفیت بهره‌مندی آحاد انسانی از زندگی مناسب توأم با رعایت حرمت و کرامت انسانی داشته باشد. البته همین رویکرد نیز به تقویت بهره‌مندی از برخی حقوق بشر از جمله تأمین حق اشتغال در کشورهای در حال توسعه منجر شده است. گرچه رویکردهای جدید توجه

توجهی ندارد! پل‌های تاریخی که در مسیر رودخانه احداث شده‌اند - به ویژه داخل شهر اصفهان امروزی - هر یک نه تنها بدون وجود حداقلی از گذر آب بی‌معنا و مضحک جلوه خواهند کرد، بلکه مصالح برخی از آنها به‌گونه‌ای تنظیم و پی‌ریزی شده است که پایداری و بقای آنها را به گذر آب وابسته کرده است. یعنی اگر این پل‌ها پای در آب نداشته باشند، به تدریج ریزش خواهند کرد. این همه در حالیست که بخش عمده‌ای از آثار تاریخی اصفهان (از جمله پل‌ها) میراث فرهنگی ملی شناخته شده‌اند و تلاش برای ثبت مجموعه‌ای از این آثار به‌عنوان میراث جهانی ادامه دارد و البته تمام این میراث احتمالاً بدون گذر آب و حفظ پل‌ها - که ناخواسته مهمترین نمادهای میراث فرهنگی اصفهان هستند - شکوه و جلالی نخواهند داشت. ثبت جهانی این‌گونه آثار در زمان صلح، آنها را به میراث جهانی (موضوع ماده ۶ کنوانسیون حمایت میراث فرهنگی و طبیعی جهان) و میراث مشترک بشر تبدیل می‌کند و در زمان جنگ به آنها مصونیت می‌بخشد. گرچه در نظام حقوق بین‌الملل بشر به صراحت سخنی از حق بر حفظ میراث فرهنگی نیست، اما از نظر کارکردی، لفظ «میراث مشترک بشر» از حیث جهانشمولی و تبدیل تعهد به حفظ آنها به یک تعهد Erga Omnes با مظاهر گوناگون حقوق بشر یکسان است.



دولت‌ها را به الزامات انسانی و زیست‌محیطی جلب کرده است، اما دولت‌های مزبور اکثراً ملاحظاتی انسانی و زیست‌محیطی را در برابر ابعاد کمی، مفهوم کیفی توسعه قابل ملاحظه نمی‌دانند. همین رویکرد است که سبب می‌شود صنایع و کارخانجات بزرگ عمده نظیر فولاد مبارکه، ذوب آهن، پلی‌اکریل و... در نزدیکی محیط‌زیست طبیعی زاینده‌رود پدید آیند و این محیط را دچار دگرگونی کرده و بخش زیادی از منابع آب را جهت مصرف صنعتی به خود اختصاص دهند و حتی کشاورزی در شرق اصفهان را تهدید نمایند و خطری جدی برای محیط‌زیست پدید آورند. گرچه باتوجه به کمبود منابع آبی، تخصیص منابع به صنعت، کشاورزی، بهداشت و مصارف خانگی، میراث فرهنگی و محیط‌زیست سالم به خودی خود امری چالش‌برانگیز است.

برای تأمین نیازهای خود برآورده سازد. اما در اینکه خود «توسعه» چیست پاسخ کم و بیش ساده بود: ارزیابی کیفی نمادهای کمی رشد اقتصادی. این رویکرد صرفاً رویکردی اقتصادی است که به تدریج به زوایای خاصی از حقوق بین‌الملل رسوخ کرده است. در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی ملل متحد نیز اعلامیه‌ی حق بر توسعه را به تصویب رساند که توسعه را به یک جایگاه حقوقی جدی‌تر ارتقا داد. در ماده‌ی یک این قطعنامه، مفهومی جامع از توسعه پذیرفته شده و آن را با ابعاد غیراقتصادی درهم آمیخته است. مطابق این ماده، توسعه عبارت است از وضعیتی که در آن تمامی حقوق و آزادی‌های اساسی بشر تحقق یابند. پس از تصویب این اعلامیه رویکرد حقوق بشری به توسعه، به‌عنوان رویکردی فرا اقتصادی با اقبال گسترده‌ای روبه‌رو شده است. مطابق این رویکرد تمامی حقوق بشر در کنار یکدیگر وضعیت توسعه را پدید می‌آورند و صرف توجه به جنبه‌های پیشرفت اقتصادی، فقط بخشی از فرایند جامع توسعه محسوب می‌شود. در این رویکرد تراحم احتمالی میان حقوق با تعهد دولت به تحقق حق بر توسعه (ماده‌ی ۳ اعلامیه)، به ضرورت برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مؤثر به منظور تحقق همه‌ی حقوق می‌انجامد. به‌ویژه در بخش اقتصادی در مورد دولت‌هایی که هنوز قسمت عمده‌ی اقتصاد ملی را در دست خود دارند، این برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نقش مهمی در استیفای حق بر توسعه (با مفهوم اخیر) خواهد داشت. علاوه بر این، نگرش کلان به توسعه، آن را به مفهومی فرا اقتصادی که گاه جنبه‌ی حقی سیاسی یا حقی مدنی می‌یابد نیز تبدیل می‌کند، که براساس آن فرایند توسعه باید با احترام به تمامی حقوق بشر همراه باشد. این رویکرد حتی به توسعه وجهی سیاسی نیز می‌بخشد. چنانکه مجمع عمومی در قطعنامه ۵۴/۳۶ تصریح دارد: دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی به یکدیگر وابسته‌اند و در نتیجه چنین رویکردی، حکمرانی دموکراتیک بخشی از برنامه‌ی توسعه ملل متحد (UNDP) است.

### نتیجه‌گیری

در مورد نمونه‌ی مذکور در این مقاله و با در نظر گرفتن زاینده‌رود به‌عنوان بستری برای کشمکش نظری و عملی میان برخی حقوق، به نظر می‌رسد:

۱. گسترش شهرنشینی پیرامون زاینده‌رود (به‌ویژه گسترش شهر اصفهان) نیازهای شهری گسترده‌ای را از حیث محیط زیست فیزیکی و روانی مناسب، بهره‌مندی از آب سالم و... رقم زده است.
۲. نیازهای سایر مناطق کم‌آب نزدیک این حوضه به مصارف خانگی و بهداشتی، غیرقابل انکار است و برخورداری از آب سالم حقی بشری است که دولت باید برای تحقق آن بکوشد.
۳. زاینده‌رود نقش مهمی در وضعیت اقتصادی و توسعه‌ی اقتصادی کشور دارد، به نحوی که برخی صنایع کاملاً به آن وابسته‌اند.
۴. صنایع وابسته، محیط‌زیست را به مخاطره افکنده‌اند، سهم محیط زیست از این رودخانه مستمراً کاهش یافته و به نقض حق شهروندان در بهره‌مندی از محیط زیست سالم منجر شده است.

دولت‌ها را به الزامات انسانی و زیست‌محیطی جلب کرده است، اما دولت‌های مزبور اکثراً ملاحظاتی انسانی و زیست‌محیطی را در برابر ابعاد کمی، مفهوم کیفی توسعه قابل ملاحظه نمی‌دانند. همین رویکرد است که سبب می‌شود صنایع و کارخانجات بزرگ عمده نظیر فولاد مبارکه، ذوب آهن، پلی‌اکریل و... در نزدیکی محیط‌زیست طبیعی زاینده‌رود پدید آیند و این محیط را دچار دگرگونی کرده و بخش زیادی از منابع آب را جهت مصرف صنعتی به خود اختصاص دهند و حتی کشاورزی در شرق اصفهان را تهدید نمایند و خطری جدی برای محیط‌زیست پدید آورند. گرچه باتوجه به کمبود منابع آبی، تخصیص منابع به صنعت، کشاورزی، بهداشت و مصارف خانگی، میراث فرهنگی و محیط‌زیست سالم به خودی خود امری چالش‌برانگیز است.

### چالش تراحم حقوق و پاسخ حقوق بین‌الملل

پاسخ مناسب به مطالبات نامحدود در قبال منابع محدود، اصولاً وظیفه و تکاپوی علم اقتصاد است؛ اما یک رویکرد حقوقی در جهت عادلانه کردن بهره‌مندی از منابع می‌تواند بر هرگونه برنامه و سیاست اقتصادی تأثیرگذار باشد. حقیقت آن است که منابع آبی زاینده‌رود محدود است. با این حال توسعه‌ی صنایع، گلایه‌ی کشاورزان، نگرانی‌های حامیان میراث فرهنگی، رهیافت‌های زیست‌شناسان و روان‌شناسان، همه در یک نقطه به هم می‌رسند و آن اینکه باید این منبع در کنار منابع زیرزمینی، سدها و دیگر منابع، همه‌ی این خواسته‌های معقول و مشروع را پاسخ دهد. گفته می‌شود ۸۰۰ میلیون مترمکعب آورد سالیانه زاینده‌رود طبیعی با دو تونل جدید (تونل دوم و سوم کوه‌رنگ)<sup>۱</sup> به دو برابر رسیده، اما باز هم خشکی مسیر زاینده‌رود مشاهده می‌شود. آمار شرکت آب منطقه‌ای اصفهان نشان می‌دهد سهم محیط‌زیست از ۶۴۰ میلیون مترمکعب در سال ۱۳۴۹ به (قبل از ایجاد سد زاینده‌رود) صفر در سال ۱۳۹۰ رسیده است. سهم شرب (خانگی و شهری) نه برابر شده است (از ۵۰ میلیون مترمکعب به ۴۵۰ میلیون مترمکعب) و سهم صنعت از ۵ به ۱۲۰ رسیده است، یعنی ۲۴ برابر! مشاهدات عینی نیز به وضوح از عدم استمرار وضعیت زیست‌محیطی در شهر اصفهان حکایت دارد که به مشکلات اقتصادی کشاورزان شرق اصفهان، گسترش افسردگی و تضعیف میراث فرهنگی اصفهان انجامیده است. اما راهکار چیست؟

در دهه‌ی ۸۰ میلادی و پس از آنکه نخست‌وزیر نروژ خواستار آن شد که «توسعه پایدار» مبنای هر فعالیت انسانی باشد، تا نگرانی نسبت به وضع محیط زیست کاهش یابد؛ رویکرد جدیدی فراگیر شد. **توسعه پایدار** نگرشی است برای گره زدن پیشرفت و دخالت‌های انسان در محیط از یک سو و پیشگیری از آثار نامطلوب زیست‌محیطی این دخالت‌ها از سوی دیگر. توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای نسل حاضر را بدون خدشه به توانایی‌های نسل‌های آینده

۱. باید توجه داشت که تونل سوم کوه‌رنگ، پس از ۱۸ سال از شروع به کار آن، هنوز به بهره‌برداری نرسیده است ولی در آمارها، آورد آن محاسبه می‌شود!



مشارکت مردمی در لایروبی زاینده رود برای رسیدن آب به گاوخونی



۵. خشکی مسیر رودخانه در شهر اصفهان، حفاظت از میراث فرهنگی کشور را که ارزشی جهانی دارد با تهدیدی جدی روبه رو کرده است.

۶. گردشگری تاریخی و صنعت (به ویژه صنایع وابسته به زاینده رود) هر دو نقش مهمی در بهره مندی تعداد بسیاری از شهروندان از حق شغل دارد.

۷. همه این خواسته ها در چهارچوب نظام بین الملل حقوق بشر معقول و مشروع هستند: حق بر آب سالم، حق بر محیط زیست سالم، حفاظت از میراث فرهنگی و بهره مندی از توسعه اقتصادی.

۸. به نظر می رسد برنامه ها و سیاست های ملی و منطقه ای نتوانسته است تزاخم میان این حقوق مطلوب را رفع نماید، بلکه گویی بی توجهی به وجه پایدار توسعه نگرانی های زیست محیطی، فرهنگی، اجتماعی و حتی امنیتی را برانگیخته است.

۹. حقوق بین الملل جدید نتوانسته است پیشنهاد مشخصی را پیش روی قرار دهد که توجه به آن در برنامه ریزی ها، تصمیمات و سیاست گذاری ها فرصتی برای رفع تزاخم فراهم می سازد. وظیفه حقوق بین الملل و به ویژه حقوق بین الملل بشر، رفع مشکلات اقتصادی، فرهنگی، زیست محیطی، سیاسی، امنیتی و... نیست و اساساً حقوق مشکلی را حل نمی کند، بلکه راه حلی برای دستیابی عادلانه به کرامت انسانی پیشنهاد می کند. این رویکرد عبارت است از رویکرد حقوق بشری به توسعه، که دولت را مکلف می کند در راستای نیل به توسعه - که خود همانا تحقق همه حقوق بشر است - به حقوق بشر احترام بگذارد. این رویکرد جامع تر از نگاه اقتصادی و کمی به توسعه است و حتی ابزاری برای عقلانیت و شفافیت عملکرد نهادهای دولت در مورد بهره برداری از منابع آب و تحقق حق بر توسعه در مفهوم اخیر آن به دست می دهد.

۱۰. خلاصه گفتار همان است که انجمن حقوق بین الملل در پاراگراف ۴ بند ۷ «اعلامیه دهلی نو راجع به اصول حقوق بین الملل مرتبط با توسعه پایدار» ذیل «اصل پیوستگی و رابطه متقابل به خصوص در مورد حقوق بشر و واقعیت های اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی» بیان می کند: «دولت ها باید بکوشند تعارض های پیش آمده میان ملاحظات متناقض اقتصادی، مالی، اجتماعی و زیست محیطی را چه از طریق نهادهای موجود و یا از طریق تأسیس نهادهای مناسب جدید حل نمایند.»